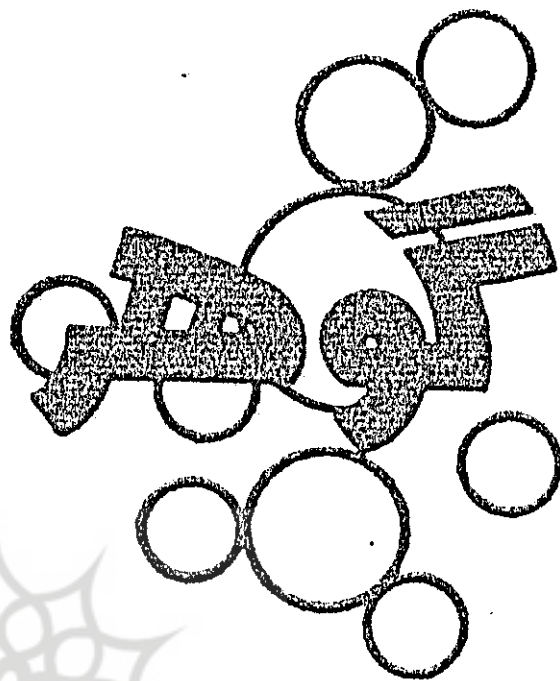


سال پنجم - شماره ۴ تیر ماه ۲۰۳۶
(شماره مسلسل ۵۲)



مدیرمسئول: مرتضی کامران

دیباچه بر

کتاب کشور خیره

در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان



دردنیای قدیم ، دردوسوی بحر الروم ، دودولت قادرو قاهر وجود داشت ، کداز لحاظ
فسحت و وسعت آب و خاک و عدت و قوت لشکر و سپاه و عظمت و ابهت فرهنگ و تمدن ،
پهلوی پهلوی هم میزد و در همه شئون و وجوه زندگی بدیده حسادت و رقابت بهم مینگریست ،
از اینسو ، درفش شاهنشاهی ایران و از آنسو پرچم امپراطوری رم سایه گسترده بود و
پادشاهان و فرمانروایان هر قوم ، عرصه کشور گشائی و جهانگیری و قلمرو سلطه و سیطره
خود را همواره فراختر و گسترده تر میساختند و بهر کجا مرز تسخیر و حد تملکشان بهم می -

سلسله انتشارات بنیاد نیکو کاری نوریانی

۱۳

کشور حیره

در قلمرو شاهنشاهی ساسانیان

از ۲۲۶ تا ۶۳۲ میلادی (۱۲ هجری)

رسید و لشکریانشان روبرو میشدند ، دست و پنجه ای با هم نرم می کردند و طعمه ای از هم می ربودند و گاهی بمحیط محدودۀ مشخص آب و خاک اصلی یکدیگر نیز تجاوز و تخطی می جستند و بنا گیر ، کشاکشهای سهمگین و جنگهای خونین برآه می انداختند .

خلاصه ، قسمت اعظم بسیط ربع مسکون که اکنون مملکتها و دولتها و کشورهای گوناگون مستقل و آزاد را ، با حدود و ثغور معین و مشخص ، تشکیل میدهد و همه در تحریم سایه منشور ملل متفق جای گرفته و با اعلامیۀ حقوق بشر پیوسته است و دولتهای آنها نمی توانم ، بسادگی و آسانی ، از حدود خود پافرا تر نهد ، در آن عهد و زمان ، به سالیان دراز ، میان دو قدرت عظیم ایران و روم تقسیم شده بود و گاه دست بدست می گشت و در هر حال ، مردم آن نقاط و نواحی طوق فرمانبرداری یکی از این دو دولت مقتدر را ، بناچار ، برگردن داشتند .

حیره که در ۱۳۸ میلادی بدست تنوخیان بوجود آمد یکی از آن کشورهاست که گاهی در دست ایرانیان و زمانی در چنگ رومیان قرار داشت تا اینکه در اوائل قرن دوم هجری (۶۳۲ میلادی) در زمان حکومت لخمیان یا مازدره بچنگ تازیان مسلمان افتاد . دولت شاهنشاهی ساسانیان در ایران و حکومت لخمیان در حیره ، در ۲۲۶ میلادی آغاز شدند و در ۶۲۵ میلادی در دست اعراب پایان یافتند . در مدت این چهار صد سال ، حوادث و اتفاقاتی بزرگ در قلمرو آن دولت و این حکومت روی داده که در تواریخ بطور مشروح مرقوم و مسطور افتاده است .

در تمام مدت سلطنت ساسانی ، حیره در قلمرو ایران بود و بروزگاری که شاهنشاهان ساسانی با امپراطوران روم و فرمانروایان دولت بیزانس و ارمنستان و هیاطله سفید و ترک و عرب و حضر می جنگیدند ، لخمیان ، یعنی امیران حیره ، در بیشتر این

* از این کتاب دوهزار نسخه بر کاغذ هشتادگرمی و در جلد مقوایی به چاپ رسیده و در کتابخانۀ انتشارات سپهر (دربروی دانشگاه) و کتابخانه های معتبر تهران و شهرستانها به بهای هر جلد ۳۰۰ ریال بفروش میرسد .

نبردها شرکت داشتند و دوش بدوش ایرانیان مبارزه میکردند و در دفاع از تخت و تاج دل افروز خسروانی ایران ، دلاوریها و هنر نماییها از خود نشان میدادند .

حیره از لحاظ جغرافیائی ، شامل مملکت عراق است که کوفه در جنوب شرقی آن جای داشت . بگفتار یاقوت حموی در معجم البلدان و یعقوبی در بلدان ، حیره البیضا و حیره الروحا سرزمینی است غرقه در ریحان و لاله نعمان ، چراگاه گوزنان و آهوان و جولانگاه کبوتران و فاختگان و میدانگاه قصرها و کاخهای امیران و دیرها و صومعههای راهبان . گفته اند صفا و جلای حیره چنانست که زیستن شبانه روزی در آنجا از دست یازیدن بیکسال دارو و درمان برتر و بهتر باشد . البته بعضی هم از نیش پشدهای گزنده سدیر نالیده اند . کلمه حیره را عربی یا عبری یا آرامی دانسته اند و معنی آنرا از حیره عربی بمعنی سرگردان گرفته و گفته اند بهنگامیکه تبع با لشکریانش بد آنجا روی آوردند سرگردان و حیران ماندند . در هر حال حیره آرامی و حیره عربی هر دو از ریشه سامی و معنی آن چادر و پناهگاه است .

مؤسس حیره و تاریخ بنای آن معلوم و روشن نیست . عربان آنرا به بخت نصر منسوب داشته اند . حیره پس از وی ویران شد تا اینکه هاتک بن فهم پیشوای قبیله تنوخ در عراق بدانجا رفت و انبار را مرکز قرارداد و کاخی و بوستانی در آنجا پی افکند . در زمان عمرو بن عدی ، از خانواده لخمیان ، آوازه حیره بالا گرفت و مرکز حکومت آنان بود تا تازیان بدانسوی تاختند و آنرا بگشودند . گفته اند به سال ۱۷ هجری که کوفه را بنا میکردند از جرو سنگ مرمر و ستون کاخهای حیره و آوار دیوارخانه های آن استفاده کرده اند . بسیاری از خلفای اسلامی مانند ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور و هارون الرشید بحیره آمدند و در آنجا روزگاری کم یا زیاد بزیستند و کاخها و بوستانها پی افکندند .

مردم حیره ، قسمتی از قبیله تنوخ و چادر نشینند و گروهی از قبیله عباد و در ساختمان بسر میبردند و عده ای احلاف یعنی از مردم خارچند که بدانجا آمده اند . عبادیان از طرفداران و دست نشاندهگان اردشیر بابکان و نصرانی مذهب بودند و بیاده فروشی و صرافانی روزگار می گذراندند و خواندن و نوشتن میدانستند ، در همان زمان که بزرگترین شاعران نابتنه عرب نمی توانستند بخوانند و بنویسند . عدی بن زید شاعر ماهر و حنین بن اسحق ترجمان مشهور دوره عباسی و حنین بن بلوغ آوازه خوان و آهنگ ساز معروف از این قبیله اند . جمعی از مردم حیره نبطی و عده ای یهودی بودند . گروهی از ایرانیان نیز که تسخیر کنندگان و فرمانروایان این نواحی بشمار می آمدند ، پناگزییر ، در آن جا می زیستند . در دوران آل لخم ، خسروان ساسانی از طرف خود حاکمانی بحیره می فرستادند که آنان را مرزبان یا دهگان می خواندند و بجلال و حشمت ضرب المثل عربان بودند . مردم حیره را

دین مختلف بود. گروهی مانند جدیمه الایرش ، پادشاه ازقبیلۀ تنوخی ، بت می‌پرستیدند و دوبت داشتند بنام ضیوفان که بر دروازه حیره نصب کرد ه بودند تا هرتازه وارد بر آنان سجده برد. در جنگها از آن بتان یاری می‌جستند. گروهی رسم ماه پرستی و آئین مانوی و کیش زردشتی داشتند. در ۵۲۹ میلادی وبزمان پادشاهی خسرو قباد که در ایران مزدك پیدا شد ودینی عرضه کرد ، حارث بن عمرو بن آكل المرار کندی آن را پذیرفت و در حیره شایع ساخت. آئین مسیح در سده اول و دوم میلادی در عراق منتشر شد و در قرن چهارم بحیره رسید و اکثریت مردم آن را پذیرفتند. برخی از پادشاهان حیره نیز مسیحی شدند. نصارای حیره بیشتر نسطوری و کمتر یعقوبی بودند. در حیره کاخها و صومعه‌ها و دیرها و کلیساهای فراوان وجود داشت ، با ایوان‌ها وستون‌ها و کاشی کاریها و نقش و نگار های زیبا که از لحاظ عظمت و جلال و شکوه و هنر معماری و نقاشی و حجاری مشهور آفاق بود و شاعران در آثار خود در وصف آنها داد سخن داده‌اند. مانند کاخ خورنق و سدیر و سندان و قصر الابيض و قصر الفرس و قصر الزوراء و دیر ابن الوضاح و دیر ابن براق و دیر عبد المسيح و دیر فایثون و دیر مارت مریم و دیر هند الکبری و دیر الحج و کلیسای تسوما و کلیسای باعوته .

زن حیری در چادر و پوشیده بود و از مردان دوری می‌جست و خود را در آینه‌های سیمین و سجنجل (آئینه رومی) می‌دید و می‌آراست. مورا خضاب می‌کرد و بچشم سر مه میکشید و از بهی خوشبو بودن، مشک و عنبر و غارو لینی بکار میبرد و گردن بند و دست‌آورنجن و خلیخال و گوشواره از زبرجد و یاقوت و درو مر جان بخود می‌آویخت و جامه‌های حریر و پرنیان و مرط و ملایه و یلمق بر تن راست می‌کرد. زنان در خردسالی بشوی میرفتند چنانکه هند دختر نعمان بن منذر را ، در یازده سالگی بهمسری عدی بن زید در آوردند . آنان اگر چه معمولاً غیر از عرب شوی نمی‌گزیدند ولی برخی از زنان ثروتمند بهر کس دل می‌یستند بی‌بروا او را بهمسری می‌گرفتند. پادشاهان و رئیسان قبائل، برای از میان برداشتن کینه‌ها و دشمنیها ، رعایت تدبیر و سیاست را ، با یکدیگر و صلت می‌کردند. چند زن گرفتن میان مردم حیره از مسیحی و مجوس و بت پرست شایع بود . از بزنی گرفتن محارم خویش نیز ابا و امتناع نداشتند. مردم حیره از کودکی بمکتب می‌رفتند و نوشتن و خواندن می - آموختند، در حالیکه شاعران عرب در آن هنگام نوشتن و خواندن نمیدانستند. زید بن عدی که در حیره نوشتن آموخته بود ، نخستین منشی عربی دیوان کسری انوشیروان بسود . متلمس ، شاعر مشهور و بیسواد عرب ، از کودکی حیری خواست تا نامه عمرو بن هند را که فرمان هلاکش در آن بود بخواند و همینکه از آن باخبر شد گریخت و از مرگ رهایی یافت. گفته‌اند حرب بن امیه بن عبد شمس ، نخستین عربی است که از مردم حیره نوشتن عربی

آموخته است و آنان از مردم انباریاد گرفته‌اند. خط عربی فعلی یکی از شکل‌های خط حیری یا انباری یا جزم بشمار آید. سه تن از قبیلۀ طی، بگفته بلاذری، در بقیه و بقول ابن ندیم در انبارگرد آمدند و خطی بساختند و الفبای عربی را با الفبای سریانی مقایسه کردند و گروهی از مردم انبارازایشان بیاموختند و مردم حیره از مردم انبار فراگرفتند و چون بشر بن عبدالملک بحیره آمد و مدتی در آنجا بماند این خط را بیاموخت و همینکه بسکه رفت آن را بسفیان بن امیه بن عبد شمس و ابوقیس بن عبد مناف بن زهره بن کلاب تعلیم داد. مردم حیره علاوه بر عربی و یونانی و عبری، زبان آرامی (سریانی) را هم می‌دانستند زیرا زبان دین و کلیسای ایشان بود. نبطی‌ها در خانه‌های خود بدان سخن می‌گفتند و مدارس حیره آن را تعلیم می‌داد و دانشمندان بدان زبان تألیفات داشتند. چون میان ایران و حیره روابط سیاسی و اداری و تجاری برقرار بود، مردم حیره بزبان پارسی نیز سخن می‌گفتند و بادبیات فارسی آشنا بودند. هنگامیکه پیغمبر اکرم، صلوات اللہ و سلامه علیه، رسالت خود را در حجاز اعلام داشت و مردم را باسلام دعوت کرد نصر بن حارث، پسرخاله آن حضرت که به حیره رفته و داستانهای فارسی را آموخته بود بمردم می‌گفت: اگر محمد از عاد و ثمود میگوید که افسانۀ پیشینیان است من برای شهادت آن‌ها رستم و اسفندیار و خسروان ایرانی را حکایت می‌کنم که تاریخ است.

شعر و ادب عربی در حیره رواج و رونق بسزا داشت و شاعران اهل حیره و شاعرانی که از نقاط دیگر بدانجا روی می‌آوردند در وصف و تعریف این سرزمین و کاخها و دیرها و حوادث و مدحت و منقبت شاهان و امیران آن قصائد و معلقات فراوان ساخته و پرداخته‌اند. مشهورترین این شاعران عبارتند از عدی بن زید عبادی داماد و دست پرورده نعمان بن منذر و امرؤ القیس شاعر مشهور جاهلی و متلمس و ابود وادایادی و مرقس اصغر و اکبر و عمر بن قمیته و طرفه بن عبد و منخل بشکری و حنظله طالی و نابغه ذبیانی و حاتم طائی و سلامه بن جندل و عنتره عیسی و اعشی قیس و عمرو بن کلثوم و لبید بن ربیع و حسان بن ثابت و زهیر بن ابی سلمی. حیره بواسطه حاصلخیزی خاک و فراوانی آب رود فرات، برای کشاورزی و دامپروری زمینۀ استعداد شایان در برداشت. اغلب مردم به کشاورزی و دامداری و ریسندگی و بافندگی و آهنگری و زرگری و گلداری و سرمه‌سازی و سبد و حصیر بانی و شمع سازی و درودگری و کوزه‌گری مشغول بودند. جامه‌های ابریشمین و حریر و زربفت و ظیلسان و یلمق و خلعت و تشریف و عبای حیره شهرت و معروفیت داشت.

آوازه غناء حیری در آفاق پیچیده بود و زنان آواز خوان حیری بمکه و مدینه و نقاط دیگر خوانده میشدند تا بزم پادشاهان و امیران را بیارایند. آلات و ادوات موسیقی

رامشگران حیری عبارت بود از عود و مزمارونی و دف و مستق (مشته) و ون و صنج (چنگ) و بربط و مزمر و طنبور .

شراب سازی در حیره بخصوص در پیش عبادیهای مسیحی و یهودی، زبانزد همه بود و در وصف آن اشعار و روایات تاریخی بسیار وجود دارد. عربان پیش از اسلام به میکده‌های حیره روی می‌آوردند و پادشاهان حیره به میگساری می‌پرداختند. بهنگام بازگشت نمایندگان قبائل که بر پادشاهان آل لخم وارد می‌شدند مجلس میوه ائی بزرگی ترتیب می‌یافت که پادشاه خود در آن شرکت می‌جست و نخست بیاده گساری می‌آغازید و پس از وی دختر ساتی، با اشاره شاه، به نمایندگی که از همه گرامی‌تر بود بیاده میداد و سپس همه حاضران بیاده نوشیدن مشغول می‌شدند .

بازرگانی و کشتی‌رانی و دریانوردی حیره بسیار پیش‌رفته بود. در آن زمان اقیانوس هند در تصرف مسانیان بود و کشتیهای ایران و عرب و هند بجزیره سرنندیب (سیلان) رفت و آمد داشت. بازرگانان ایران و حیره برای حمل و نقل کالای خود از دجله و فرات، از اروندرود می‌گذشتند و یا از کرانه‌های خلیج فارس به سواحل کشورهای عربی می‌رفتند و در اطراف جزیره العرب می‌گشتند و از بحرین می‌گذشتند و به آبهای اقیانوس هند وارد می‌شدند و در عدن لنگر می‌انداختند و کالاهای کشورهای عربی و روم و یونان را به خلیج فارس می‌آوردند و چون از تخلیه آهن و مس و سرب و امثال آن فارغ می‌شدند باری دیگر بجاناب سواحل افریقا و هندوستان حرکت می‌کردند و پس از فروش کالاهای خود، کشتیها را از متاعهای آن کشورها مانند حریر و استبرق و میخک و دارچین و فلفل و زعفران و هل و صدف و عاج و در و مرجان و عطر و روغن ماهی می‌انباشتند و بسوی خلیج فارس باز می‌گشتند و بارهای خود را در ایران و حیره تخلیه می‌کردند. مردم آنچه را می‌خواستند برمیگرفتند و باقیمانده را به دمشق و اسکندریه و سوریه و مصر می‌فرستادند. بدین طریق خلیج فارس و حیره در زمانی که دماغه امیدنیك هنوز کشف نشده بود، بمنزله حلقه اتصال هند و سایر کشورهای عربی و غربی آن زمان بود. کسری نیازمندیهای یمن را، با کاروان های متعدد، برای عامل خود در آنجا می‌فرستاد و سران قبائل عرب کاروانیان را بمنزل بمنزل، بدرقه می‌کردند تا آنکه سالم به یمن میرسیدند.

چنانکه در آغاز دیپاچه اشاره شد، حیره در قرن دوم میلادی، بدست تنوخیان بوجود آمد و بعد چندین بار میان ایران و روم دست بدست گشت تا اینکه در اوائل قرن هفتم (۳۲۲ میلادی = ۲ هجری) در زمان حکومت لخمیان یا مناذره بچنگ تازیان مسلمان افتاد. در زمان حکومت تنوخیان، پادشاهان اشکانی یا پارتیان حیره را گرفتند. در این زمان اشکانیان با رومیان در جنگ بودند. نخست بار، تریانوس و بعد او دیویس کاسیوس

بسال ۱۶۴ میلادی ، برحیره چیره شدند و سوریس شاه ، بسال ۱۹۷ میلادی ، پایتخت آن سلوکیه و تیسفون را بگشود و بلاش سوم پادشاه اشکانی نتوانست دفاع کند و شکست خورد. اما رومیان ، بسبب دوری حیره از مرکز قدرت امپراطوریشان ، آنرا نگاه نداشتند و رها کردند. همینکه اساس دولت اشکانی بسبب جنگهای داخلی و اختلاف میان دو فرزند بلاش چهارم روی بسستی نهاد ، بزرگان پارس ، اردشیر بابکان را پیرامون گرفتند و پایتخت سلسله ساسانیان را بنا نهادند . اردشیر ، بسال ۲۲۶ میلادی ، در جنگ هرمز ، اردوان پادشاه اشکانی و لشکریانش را بشکست و بکشت و بساط فرمانروائی اشکانی را برچید و خود فرمانفرمای ایرانزمین شد. در همین زمان ، قبائلی از اعراب یمن به حیره فرود آمدند و در منطقه فرات دولتی را پایه گذاشتند که آخرین حکمران آن جذیمة الابرش با اردشیر بابکان معاصر و معاهد بود . حکومت یا پادشاهی حیره ، طبق قراردادیکه میان جذیمة الابرش و اردشیر بابکان منعقد شده بود از طرف شاپور پسر اردشیر به مروین عدی بن نصر بن ربیعة بن حارث بن سعود بن غنم بن نمارة بن لخم ، خواهرزاده جذیمة واگذار شد و او سرسلسله لخمیان یا آل لخم است که بد آنان آل نصر منادزه و آل عمرو بن عدی و آل محرق نیز می گویند و از ۲۶۸ تا ۶۳۲ ، یعنی در حدود ۳۶۴ سال ، برحیره حکومت کردند. عمرو ، پادشاهی توانا و با اراده و جنگجو بود که پادشاهان حیره بدونسبت دارند و مورخان از او بدنیکی یاد کرده اند. و دست نشانده شاپور ، شاهنشاه ساسانی بود و از سوی او بر عربان عراق حکومت می کرد.

جانشین عمرو ، امرؤ القیس بدء یا اول است که او را ذوالتاج (تاجدار) نامیده اند ، وی نیز خود را آشکارا از کار گزاران شاهنشاهان ایران میدانست . در زمان وی ، بهرام سوم در گذشت. پسران او نرسی و هرمز برای بدست آوردن تاج و تخت پدر بد نزاع برخاستند و سرانجام نرسی بر هرمز پیروز شد . پس از آن میان ایران و روم جنگ در گرفت و نرسی شکست یافت و ایران بنا گزیر باروم صلح کرد. شرائط صلح سنگین بود و در نتیجه ایران بسیاری از شهرهای غربی خود را از دست داد. مانده دارد

دبیر کل بنیاد - دکتر نصره الله کاسمی

دبیر کل بنیاد